

بسم الله الرحمن الرحيم

یک روز از تاریخ ایران

(قشون‌کشی ارتش سرخ به ایران در شهریور ۱۳۲۰)

جلد اول (شهرستان بیله‌سوار مغان)

احمد بیوته



حوزه‌های استان اردبیل

شناسنامه کتاب

نام کتاب: یک روز از تاریخ ایران (قشون‌کشی ارتش سرخ به ایران در شهریور ۱۳۲۰) جلد اول (شهرستان بیله‌سوار مغان)

نویسنده: احد بیوته

طراحی و صفحه‌آرایی: محمدحسین جعفری

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

انتشارات: ساوالان ایگیدلری

لیتوگرافی و چاپ: شیران نگار



تلفون: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

سرشناسه: بیوته، احد، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور: یک روز از تاریخ ایران: قشون‌کشی ارتش سرخ به ایران در شهریور ۱۳۲۰ جلد اول (شهرستان بیله‌سوار مغان) / احد بیوته؛ [برای] حوزه هنری استان اردبیل.

مشخصات نشر: اردبیل: ساوالان ایگیدلری، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۳۰-۲۸-۲ قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: ارتش سرخ روسیه شوروی

موضوع: جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹-۱۹۴۵ م. -- ایران -- نبردها

موضوع: شهیدان -- ایران -- بیله‌سوار

موضوع: ایران -- تاریخ -- ۱۳۲۰ - ۱۳۲۳

موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- اشغال متفقین، ۱۳۲۰ - ۱۳۲۴

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری (اردبیل)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ س۸/۹۵/ب۱۵۰۴/۵ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۷۲۷۲۰

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۱۱	فصل اول: رویدادهای تاریخی
۱۲	- از دلایل اختلاف ایران و روس
۱۴	- از دلایل حمله ارتش شوروی به ایران
۱۹	- اشغال ایران
۲۴	- شهرستان مغان
۲۶	- گوشه‌ای از وقایع تاریخی مغان
۲۹	- شهرستان بیله‌سوار مغان
۳۲	- تقسیمات کشوری
۳۳	فصل دوم: وقایع شهدای بیله‌سوار
۳۴	- نقش علما و جهادیه‌ها در بسیج مردم
۳۷	- روز واقعه در بیله‌سوار
۴۱	- فرار سرگرد ماکویی
۴۴	- ابوالفضل عاشق حسن(ع)
۴۸	- رشید بیگ
۵۱	- رشید بیگ به نقل از دامادش
۵۳	- پست و تلگراف
۵۴	- گمرک‌خانه
۵۵	- درباره شهید افضل
۵۷	- گوگ تپه
۵۸	- تکه نان خونی
۶۰	- خادم بی‌منت
۶۳	اسناد و تصاویر

پیشگفتار

قوای قهریه ارتش سرخ در سوم شهریور ۱۳۲۰ از شمال، و انگلستان از جنوب وارد ایران شدند. این تجاوز و تعارض، به بهانه وجود جاسوسان آلمانی در ایران، طمع نفت شمال، دستیابی به آبهای گرم و آزاد، ایجاد خطوط مواصلاتی برای رساندن قوای کمکی انگلستان به روسیه از طریق ایران و مواردی از این دست، باعث شکسته شدن غرور ملی ایرانیان در طول تاریخ بوده است.

در جریان جنگ جهانی دوم و قبل از شهریور ۱۳۲۰، متفقین در ماههای تیر و مرداد همان سال از رضاشاه درخواست داشتند اجازه عبور نیروهایشان از خاک ایران را صادر کند، ولی او این درخواستها را رد کرد. متفقین که به خواست خود نرسیده بودند، نقشی حمله به ایران و اشغال آن را طرح ریزی کردند. سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰، اسمیرنوف سفیر اتحاد جماهیر شوروی و سرریدر پولارد وزیر مختار انگلیس در تهران با رجبعلی منصور نخست وزیر وقت ایران دیدار کرده و طی یادداشتی اعلام کردند قوای شوروی و انگلیس وارد خاک ایران شده‌اند. مقامات دو کشور در پشت پرده و پس از کشمکش‌های بسیار، بر سر برکناری رضاشاه و انتقال سلطنت به ولیعهد ایران محمدرضا هم به توافق رسیده بودند. آنها با حضور در منزل منصور به او گفتند: «به علت سهل انگاری دولت در انجام یادداشت‌های مورخه ۲۸ تیر ماه ۱۳۲۰ و ۲۵ مرداد ماه ۱۳۲۰ و اتخاذ سیاست مبهم و قبول نکردن اظهارات و تذکرات

دوستانه در بیرون نمودن آلمانی‌ها اقدامی ننموده، ناگزیر به نیروهای مسلح دستور داده شد که از مرزهای ایران عبور کنند.» صبح آن روز جلسه مجلس برای تصمیم‌گیری و مشورت در مورد اتفاق پیش آمده، به فوریت تشکیل می‌شود و در حالی که جلسه در حال برگزاری بود، چند هواپیما یادداشتی با این مضمون پخش می‌کنند: «ما با شما جنگ نداریم بلکه آمیدیم عمال آلمانی را از کشور بیرون کنیم و اگر به ما کمک کنید، با شما مساعدت خواهیم کرد.»^۱ کار تعرض به خاک ایران از چند هفته پیش با اطلاع و همکاری کشورهای انگلیس و شوروی شروع شده بود. در ایران نیز فقط تعدادی از رجال سیاسی و نظامی از ماجرا باخبر بودند. این افراد از سوی انگلیسی‌ها تطمیع شده بودند تا در این خصوص حرفی به زبان نیاورند. با آماده شدن زمینه نفوذ به ایران، نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰، از سه جهت وارد ایران شدند. دسته اول از طریق جلفا وارد خاک ایران شده به سمت تبریز حرکت کردند. دسته دوم از آستارا به سمت رشت و گروه سوم نیز از مغان وارد خاک ایران شده، پیکان حمله خود را به سمت شهرستان اردبیل گرفتند. نیروهای انگلیس نیز از طریق مرزهای جنوب و غرب (خاقلین و خاک عراق) به خاک ایران نفوذ کردند. نیروهای دو کشور با کمترین مشکل وارد ایران شدند و هرگونه مقاومت را از زمین و هوا خاموش کردند. نکته جالب این است که در ساعات آغازین حمله، اسمیرنوف سفیر اتحاد جماهیر شوروی در تهران، هرگونه تعرض به خاک ایران را به صورت رسمی تکذیب کرد.

در ادامه حملات شوروی و انگلیس به ایران، بی‌نظمی، غارت و گرانی در کشور حاکم شد. پنجم شهریور رجبعلی منصور نخست وزیر وقت ایران، استعفا داد و رضاشاه محمدعلی فروغی را به نخست وزیری منصوب کرد. فشارهای دولت‌های شوروی و انگلیس تا آنجا پیش رفت که رضاشاه دستور ترک مقاومت در مقابل نیروهای متفقین را صادر کرد. متن تلگراف ترک مقاومت با امضای سرلشکر عزیزالله ضرغامی رییس ستاد ارتش وقت در تاریخ

۱- تاریخ شهدای ایران (از سوم شهریور ۱۳۲۰ تا پایان سقوط هوایمای ارفع)، محمدرضا خلیلی عراقی، بنگاه زربخش، ۱۳۲۲. محمدرضا خلیلی عراقی با درجه ستوان دومی از فارغ‌التحصیلان دانشکده افسری در سال ۱۳۲۰ بود که به خدمت در خوزستان مامور شده بود. او مشاهدات و نتیجه تحقیقات خود از تجاوز شوروی و انگلیس را در جزوه‌های مختصر و از طریق انتشارات بنگاه زربخش، در سال ۱۳۲۲ منتشر کرد.

۶ شهریور ۱۳۲۰ با قید فوریت چنین مخابره می‌شود: «به فرمان مبارک قرار است که فوری کلیه واحدها ترک مقاومت نموده و هر فرماندهی مراتب را به فرمانده نیروی مقابل له هر وسیله که ممکن باشد اطلاع دهند که مقاومت نخواهد شد و کلیه افراد و واحدهای خود را از نزدیک‌ترین شهر یا سربازخانه جمع و نتیجه را گزارش دهید.»^۱

انگلیس و شوروی براساس تصمیمات اتخاذ شده، رضاشاه را مجبور به استعفا و ترک کشور کردند. روز ۲۵ شهریور رضاشاه استعفاداد و ولیعهد ایران محمدرضا، در مجلس شورا و نمایندگان سوگند خورد و پادشاه ایران شد.

آثار زیادی از حمله روس‌ها به ایران بر جای مانده است. طی تحقیقات به عمل آمده، نکته قابل توجه این است از هر یک از شاهدان عینی که در مورد روس‌ها سوال می‌کنید، می‌گویند «روس‌ها حتی تخم مرغ را هم با پول می‌خریدند»؛ یعنی آنها بعد از گذشت ۷۳ سال، از متجاوزین به خاک‌شان به نیکی یاد می‌کنند در حالی که بعد از آن یک روز تاریخی (سوم شهریور ۱۳۲۰) سرنوشت ایران عوض می‌شود؛ و این در واقع سیاست مهاجمین بود که خود را مقید به رعایت اصول اخلاقی و خیرخواه مردم نشان دهند. به طور مثال روس‌ها می‌خواستند وانمود کنند با راه‌اندازی فرقه دموکرات آذربایجان، می‌خواهند قدرت را به فقرا دهند ولی در اصل آنان به سراغ بزرگان عشایر و کدخداهای روستاها و تجار و متمولین شهری رفتند با این شعار، توانستند در مواردی تعدادی از مخالفین خود را تحت عنوان مالکین به دست مردم تار و مار کنند. بعد از خروج آن‌ها از کشور و شکست فرقه دموکرات آذربایجان، صفحه برمی‌گردد و این بار آنهایی که دچار ضرر و زیان شده بودند، شروع به کشتار افراد فرقه می‌کنند به طوری که این قتل عام در اردبیل به حدی می‌رسد که تاریخی به نام «قتله» ایجاد و ثبت می‌شود. غرض این که، آخر سیاست روس‌ها در ماجرای خریدن تخم مرغ، به برادرکشی و کشته شدن هزاران نفر از ایرانیان می‌انجامد.

با مطالعه اتفاقات بعد از سوم شهریور، آرزو می‌کنیم ای کاش تعداد افرادی که برخلاف دستور ترک مقاومت، در مقابل روس‌ها مقاومت کرده‌اند، بیشتر بود. و اینجاست که اهمیت کار و غیرت شهدای سوم شهریور بر هر خواننده‌ای دوچندان مشخص می‌گردد.

در حال حاضر، مزار بی نشان این شهید، غیر از قبر دسته جمعی موجود در شهرستان بيله سوار، در بیشتر روستاهای مرزی استان نیز به چشم می خورد. این قبرها توسط خود اهالی از سال ۱۳۲۰ هـ ش با عنوان مزار شهدا محافظت و نگهداری شده است. این حرکت نشان از جایگاه این شهدا در بین مردم استان اردبیل دارد. حضور مقام معظم رهبری در مقبره رئیس علی دلواری فرمانده دلیران تنگستان اهمیت چنین مبارزاتی را کاملاً بازگو می کند.

بودند کسانی که مبارزات رئیس علی دلواری در مقابل انگلیسی ها را ارج نهاده و با احداث بنایی، یاد و نام او را در دفاع از کیان و استقلال و تمامیت ارضی ایران، گرامی داشته اند، اما با تاسف باید گفت که این کار در مورد شهدای مرزهای شمال غربی ایران آن چنان که باید و شاید، ساماندهی و حفظ نشده است.

حقیر بعنوان نگارنده این کتاب در دشت مغان، از مناطق مرزی استان اردبیل به دنیا آمده ام و از کودکی بارها از بزرگان خانواده و ایل داستان حمله روس ها را با ده ها روایت شنیده ام. داستان هایی که، نوری در دلم روشن کرد تا همیشه نگاهی خاص به این موضوع داشته باشم. وقتی برای گردش به خانه پدر بزرگم که نزدیک ترین خانه به رودخانه بالهارود (سرحد ایران و جمهوری آذربایجان) بود، می رفتم؛ نگاهم را از پنجره چوبی آبی رنگ - که درست به سوی پاسگاه جمهوری آذربایجان باز می شد- به بیرون می دوختم و داستان هایی را که شنیده بودم، در ذهنم مرور می کردم؛ تا این که این داستان ها در ذهنم تبدیل به دغدغه ای اساسی شد. به همین منظور، وقتی برای تحقیق و جمع آوری اطلاعات پیرامون تولید برنامه های هنری و ادبی به روستاهای مختلف می رفتم، با اهالی و قدیمی ترهای روستاها صحبت و شروع به جمع آوری اطلاعات کردم. پرداختن به این موضوع یکی از علایق سالخورده های آن مناطق بود و از شهدای مقاومت و کار آنان به نیکی یاد می کردند. یکی از مشکلات پیش روی این تحقیق، مهاجرت بیشتر روستایی ها و عشایر شاهسون مغان از شهرستان های مرزی استان به استان ها و شهرستان های دیگر بود. برابر تماس تلفنی و مکاتبات به عمل آمده با تعدادی از خانواده های روستایی، متوجه شدم بیشتر ساکنین قبلی این روستاها در تعطیلات نوروز به زادگاه خود بر می گردند. از این فرصت استفاده کرده و ایام نوروز ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ را به صورت

ویژه صرف مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات لازم از بازماندگان خانواده‌های شهدای مقاومت کردم. هر چند گذشت زمان جزییات رویدادهای مانده در ذهن راویان را کم‌رنگ‌تر کرده بود، اما اصالت و کلیت واقعه بدون تغییر مانده بود. در موارد لازم، با تحقیق، تطبیق و مقایسه خاطرات روایت شده، سعی کردم مطالب را با دقت بیشتری در این کتاب بیاورم.

نکته جالب توجه دیگر این است که روس‌ها کشته‌هایشان در تجاوز شهریور ۱۳۲۰ به خاک ایران را به صورت دسته‌جمعی در حیاط سفارت فعلی روسیه در تهران دفن کرده و با احداث بنای یادبود و برپایی بزرگداشت، هر سال در سالگرد این واقعه، نسبت به کشتگان کشورشان ادای احترام می‌کنند.

همچنین طی تحقیقات میدانی نگارنده و براساس مصاحبه‌های انجام شده، یک مورد دیگر از قبرهای دسته‌جمعی در خاک جمهوری آذربایجان شناسایی شده که به احتمال زیاد نزدیک به سی نفر از مدافعان ایرانی کشته شده در حمله شهریور ۱۳۲۰ در آنجا به خاک سپرده شده‌اند که نیاز به تفحص دارد.

در فصل اول این کتاب به صورت مختصر اسناد و دلایل حمله قوای روسیه و اتفاقات تاریخی و سیاسی سوم شهریور ۱۳۲۰ گردآورده شده. همچنین در این فصل، برای آشنایی بیشتر خوانندگان با منطقه مورد حمله قشون روس، به معرفی شهرستان بيله‌سوار پرداخته‌ام. در فصل دوم نیز بر پایه روایت شفاهی مردم منطقه و اسناد به جا مانده، کوشیده‌ام به معرفی و روایت خاطرات شهدای شناسایی شده پردازم.

آنچه در این کتاب و در این مختصر گنجانده شده، تحقیقات مربوط به شهدای شهریور ۱۳۲۰ در شهرستان بيله‌سوار مغان از استان اردبیل است. امید است تحقیقات و مطالب گردآوری شده شهدای سایر شهرستان‌ها در مجالی دیگر خدمت محققان و علاقمندان ارائه شود. در پایان وظیفه خود می‌دانم از مردم خونگرم و مهمان‌نواز شهرستان‌های مرزی استان، همکاری‌های آقای عمار احمدی و محقق ارجمند، سرگرد حسن محبوب و جانباز هفتاد درصد جنگ تحمیلی از اهالی روستای اودلو حسنعلی قربانی و آقای محمود هدایتی رییس بنیاد ایران‌شناسی اردبیل و همه علاقمندان و نویسندگانی که مولف را در

تدوین این اثریاری کردند، تقدیر و تشکر کنم.

همچنین از محقق و مولف محترم کتاب «دشت مغان» آقای دکتر میرنبی عزیززاده و سامان ناطق نویسنده و رییس حوزه هنری استان اردبیل، به دلیل راهنمایی ها و همکاری هایشان در مسیر تحقیق و انتشار این کتاب، قدردانی می نمایم.

احمد بیوته

www.ketab.ir